

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی

سید عبدالحسین نبوی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز*

علی حسین حسین زاده، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز

سیده هاجر حسینی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

احساس امنیت اجتماعی، از موقعیت و جایگاه برجسته‌ای در برنامه‌ریزی‌های کشوری برخوردار است که دست‌یابی و پایدارسازی آن نیازمند مقدمات و زمینه‌های پیچیده‌ای بوده و آسیب‌پذیری یا زوال آن نیز، معلول زمینه‌ها و عوامل متفاوتی است. این مقاله با هدف بررسی تأثیر پاره‌ای از عوامل اجتماعی و اقتصادی بر احساس امنیت اجتماعی نگاشته شده است. احساس امنیت اجتماعی در مقاله‌ی حاضر به سه بعد امنیت جانی، امنیت مالی و امنیت سیاسی تقسیم شده و تأثیر برخی عناصر حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی زندگی افراد بر آن، مورد بررسی قرار گرفته است. در بعد نظری، برای رسیدن به اهداف تحقیق، از نظریه‌ی جامعه‌شناختی تالکوت پارسنز و نظریه‌های مربوط به حوزه‌ی مطالعات امنیت باری بوزان و ال ویور استفاده شده است. تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه، در بین ساکنین ۱۶ سال و بالاتر شهرستان اهواز، در سال ۱۳۸۷ به انجام رسیده است. در این تحقیق از شیوه‌نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده و حجم نمونه‌ی مورد مطالعه ۶۰۰ نفر می‌باشد.

مهم‌ترین نتایج حاصل از آزمون رابطه‌ی بین متغیرهای تحقیق نشان داد که؛ متغیرهای گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس و پایگاه اجتماعی - اقتصادی به صورت مستقیم و متغیر احساس محرومیت نسبی به‌طور معکوس بر احساس امنیت اجتماعی افراد تأثیرگذار هستند. متغیرهای تلقی از عملکرد قانون و جنسیت، تنها بر بعد امنیت

جانی اثر گذار می‌باشند. یافته‌های به دست آمده در زمینه‌ی رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، موافق با مطالعات انجام شده‌ی پیشین است.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت اجتماعی، گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس، تلقی از عملکرد قانون، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، احساس محرومیت نسبی

مقدمه

تأمین احساس امنیت تنها با شناخت رفتارهایی صورت می‌گیرد که به افزایش یا کاهش امنیت در سطح «اجتماع» منجر می‌گردد. برخی از این رفتارها ممکن است در یک اجتماع احساس ناامنی و هراس را پدید آورده و مانع از توسعه‌ی روانی جامعه گردد. چنان‌که به نظر می‌رسد جامعه مورد بررسی ما، با چنین وضعیتی مواجه شده است. نتیجه‌ی یک نظرخواهی از سوی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) مبین این گفته می‌باشد که ۸۱ درصد از ایرانیان به گونه‌ای احساس ناامنی می‌کنند (کلاهیچیان، ۱۳۸۴: ۱۵۴). در نظرسنجی دیگری که از سوی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) طی سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ در خصوص سنجش میزان امنیت اجتماعی مراکز استان‌های کشور صورت گرفته است، میانگین احساس ناامنی کل مراکز استان‌های کشور در سال ۱۳۸۳ برابر با ۷۹/۱۵ شده است. در سال ۱۳۸۴ میانگین ناامنی موجود در جامعه برابر با ۹۳/۱ و میانگین احساس ناامنی، برابر با ۵۶/۹ محاسبه گردیده است. هم‌چنین نظرسنجی سال ۱۳۸۳ نشان داد که میانگین احساس ناامنی در مرکز شهرستان مورد مطالعه‌ی مقاله‌ی حاضر (شهر اهواز) برابر با ۸۴/۸۳ می‌باشد که در مقایسه با میانگین احساس ناامنی کل مراکز استان‌های کشور،

انسان برای تسلط بر طبیعت، فرار از ناامنی^۱ و تهدید، تأمین نیازهای اساسی خود و در یک کلمه برای دست‌یابی به امنیت و احساس ایمنی، زندگی اجتماعی را برگزید. وانگهی به موازات گسترش اجتماعات و با پیچیده‌تر شدن روابط و تعاملات اجتماعی، وارد روابط گوناگونی شد که عرصه‌های زندگی را تحت عناوین اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... از هم متمایز کرده و امنیت او را تحت الشعاع قرار داد. بدین ترتیب، بشر با تجمع و تشکیل جامعه، بستری نو برای تهدید امنیت خود فراهم آورد که از زندگی جمعی او ناشی می‌شد؛ او که برای فرار از ناامنی و دستیابی به احساس امنیت، جامعه را تشکیل داده بود، به زودی دریافت که این بار امنیت‌اش نه تنها از سوی طبیعت و عوامل طبیعی، بلکه از سوی انسان‌ها و عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز تهدید می‌شود. از این رو دغدغه همیشگی او جهت دست‌یابی به احساس امنیت در مقوله‌ای جدید تحت عنوان «احساس امنیت اجتماعی»^۲ ظهور کرد که در پی تأمین آن علل و اسباب لازم را باید شناخت.

1 - Insecurity

2 - Societal Security Feeling

مدنظر است، پاره‌ای از عناصر واجد اهمیتی هستند که در رابطه با حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی زندگی افراد می‌باشند.

مبانی نظری تحقیق

مفهوم امنیت چنان که مرسوم است، ارتباط بیشتری با دولت پیدا کرده تا با مردم. دلیل این امر آن است که در قرن هفده، زمانی که سیستم متداول دولت‌ها، با ظهور امنیت بین‌المللی^۱ آغاز شده بود، با ارجاع به نیازها و تمایلات دولت‌ها، شناخته شده و عمل کرد. در این دوره گرچه دولت در وهله‌ی اول به عنوان ابزاری جهت تأمین امنیت برای شهروندان خود قلمداد می‌شد، اما در واقع به ابزاری برای تأمین امنیت سیستم دولتی تبدیل شد. به این ترتیب ثبات در مفاهیم تعیین‌کننده‌ی امنیت که در آن دولت به عنوان مفهومی محوری به کار می‌رفت، به عنوان مفهوم کامل و متداول از امنیت و عملکرد دولت‌ها بر جای ماند (بیلگین^۲، ۲۰۰۳: ۲۱۰). از این نقطه‌ی آغازین؛ فقدان امنیت برابر با فقدان اقتدار دولت مطرح شده و چنانکه در رویکرد سنتی و خصوصاً آثار هابز دیده می‌شود، دولت، به عنوان کانون امنیت و هم‌چنین، اقتدار و اجبار تلقی گردید. از این رو، امنیت شهروندان به واسطه‌ی وجود دولت تضمین شد (کراوس^۳، ۱۹۹۶: ۱۲). بدین ترتیب، بخش عمده‌ای از ادبیات کلاسیک درباره‌ی

رتبه دوم را به خود اختصاص داده (ناجا: ۱۳۸۳). این شهر (اهواز) در نظرسنجی سال ۱۳۸۴ همین رتبه را با میانگین ۲/۳۳ در مقایسه با میانگین احساس امنیت کل مراکز استان‌های کشور (۳/۰۶) حفظ کرده است (کرامتی، ۱۳۸۵: ۱۶۵). مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چه عواملی منجر به بروز احساس ناامنی در جوامع مورد بررسی شده و چگونه می‌توان احساس امنیت اجتماعی مطلوب را در سطح جامعه ارتقاء بخشید؟ از آنجا که یکی از مسائل و مباحث درباره‌ی وجود احساس ناامنی، نبود الگوی جامع و بهینه برای ارتقاء امنیت اجتماعی می‌باشد لذا با شناخت علل و اسباب احساس امنیت اجتماعی و دستکاری عوامل کاهنده و فزاینده‌ی آن که بی‌شک از طریق تحقیقات اجتماعی حاصل خواهد شد، می‌توان به سطح قابل قبولی از احساس امنیت اجتماعی در جامعه نایل آمد.

اهمیت مطالعه در خصوص عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی نیز از این جا ناشی می‌شود که بدون شناخت عوامل مؤثر و مرتبط با احساس ایمنی در افراد، تأمین امنیت اجتماعی و نظم عمومی در سطح جوامع امکان‌پذیر نخواهد. لذا شناخت این عوامل در ایجاد احساس امنیت اجتماعی، از پیش شرط‌های اساسی در برنامه‌ریزی جهت ارتقاء سطح امنیت اجتماعی می‌باشد. مقاله‌ی حاضر به همین منظور و در پی شناسایی برخی عوامل تأثیرگذار و مرتبط با احساس امنیت اجتماعی صورت گرفته است. آن دسته از مقولاتی که در این مقاله

1- International Security
2 - Pinar Bilgin
3 - Keith Krause

امنیت، به این مسأله می‌پردازند که امنیت به وسیله‌ی دولت‌ها ساخته می‌شود (همان).

در دوره‌های بعد، رویکردهای مدرن و آراء انتقادی اهمیت حمایت از انسان‌ها یا محیط را یادآور شدند و بر مراجع امنیتی^۱ متعددی تأکید کردند (بیلگین، ۲۰۰۳: ۲۱۰). در واقع رویکردهای انتقادی، نخست، تقدم عناصر نظامی و دولت را مورد انتقاد قرار دادند (بیلگین، ۱۹۹۹: ۳۸). مطالعات انتقادی در حوزه‌ی امنیت، به وسیله‌ی گسترش و عمق بخشیدن به مفهوم امنیت و رد جایگاه برتر دولت به مثابه‌ی مرجع و هم‌عامل و کارگزار امنیت، نه تنها توانست مسیری را که در آن مرجع امنیت به صورت سنتی تصور می‌شد تغییر دهد، بلکه اهداف و نقطه‌نظرات مطالعات کلاسیک امنیت را نیز دگرگون ساخت (بیلگین؛ بوث^۲؛ جونز^۳، ۱۹۹۸: ۱۵۵). از سوی دیگر، همان‌طور که ایده‌ی امنیت ملی از نگرش سنتی فاصله گرفت، بعد ذهنی امنیت نیز در کنار بعد عینی و یا حتی مهم‌تر از آن، جلوه کرد. چنان‌که اکنون برخی امنیت ملی را بدون احساس امنیت که یک برداشت ذهنی است، بی‌معنا می‌دانند (خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۲۷). در این مقاله از رویکردهای مدرن و از آن میان، آراء باری بوزان^۴، ال ویور^۵ و تالکوت پارسنز^۶ به عنوان چارچوب نظری برگزیده شده است.

باری بوزان برای نخستین بار اصطلاح امنیت اجتماعی را در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس»^۷ به کار برد (روی^۸، (روی^۸، ۱۹۹۶: ۳). امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهد (بوزان؛ ویور، ۱۹۹۸: ۴-۵). در آراء بوزان حوزه‌ای از حیات که فرد خود را به واسطه‌ی مفهوم «ما» بدان متعلق می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند مورد نظر است. بنابراین هر عامل و پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضاء یک گروه گردد، در واقع هویت آن گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می‌گردد (بوزان، ۲۰۰۰: ۳). در این دیدگاه، همبستگی افراد یک جامعه، علاوه بر حفظ و بقاء، نیازمند حمایت و تقویت نیز است که این امر در سایه‌ی برخورداری از امکانات صورت می‌گیرد. به میزانی که افراد جامعه از امکانات مختلفی چون، آموزش، بهداشت، رفاه، آزادی و غیره بهره‌مند گردند، احساس خشنودی از تعلق به چنین جامعه‌ای داشته و دل‌بستگی میان آن‌ها تقویت شده (نویدینا، ۱۳۸۵: ۳۰) و در نتیجه احساس امنیت آن‌ها افزایش خواهد یافت.

- 1- Refrents of Security
- 2 - Ken Booth
- 3 - Richard Wyn Jones
- 4 - Burry Buzan
- 5 - Ole Weaver
- 6 - Talkot Parsonz

- 7 - Buzan, Barry (1991) People, states and fear. London: Harvester Wheatsheaf
- 8 - Roe. Paul

آن است که باید از رویکردی جامعه‌شناسانه به امنیت نگریسته شود و پس از تحلیل مبانی جامعه‌شناختی امنیت، به تعریف آن همت گمارد (مک‌کین لای؛ لیتل، ۱۳۸۰: ۴۸). براین اساس، ویور حوزه امنیت را بر حسب نوعی دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرد (روی، ۱۹۹۶: ۱۱) و خاطر نشان می‌کند که افراد جامعه نمی‌توانند نسبت به چیزهایی که امنیت و هویت‌شان را تهدید می‌کند احساس مسئولیت نداشته و آن‌ها را تنها به دولت واگذار نمایند (موتیمر، به نقل از نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۲). بدین ترتیب، ویور و بوزان بر لزوم مشارکت افراد در تأمین امنیت اجتماعی خود و جامعه صحنه گذاردند.

تالکوت پارسنز از جامعه‌شناسان معروف، امنیت را از رویکردی جامعه‌شناختی مورد تحلیل قرار داده است. وی مسئله‌ی هابزی درباره امنیت را بنیان کار تئوری‌سازی جامعه‌شناسی خود قرار داد. اما در حقیقت، مسئله‌ی اساسی نظریه‌ی تحلیلی کنش پارسنز، مسئله‌ی «نظم اجتماعی» است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۴) که گویای مفهوم امنیت نیز می‌باشد. پارسنز جامعه را به خرده سیستم‌هایی تقسیم نموده که هر کدام دارای کارکردی خاص هستند و میزان توانمندی آنان در ایفای کارکردها، عامل دوام و بقای جامعه است و بالعکس، به میزان کاستی در انجام کارکردها، به انسجام و یگانگی [و در نتیجه امنیت] جامعه خدشه وارد شده و خطر فروپاشی و زوال، آن‌را تهدید می‌نماید (نویدنیا، ۱۳۸۵: ۳۹-۳۸). از آن‌جا که در نظریه

نکته‌ی دیگر، این که بوزان و ویور امنیت را در دو بعد عینی و ذهنی^۱ مطرح کرده و اظهار می‌دارند که تهدیدهای امنیتی در دامنه‌ای وجود دارند که به طور ذهنی نیز قابل تجربه هستند (بوزان؛ ویور؛ دووید^۲، ۱۹۹۸: ۱۹۹۸: ۱). بوزان، نقطه‌ی آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می‌کند. او بیان می‌دارد که، مسأله‌ی امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن رجوع کنند و برخی پدیده‌ها را به عنوان تهدید نگاه کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۶). به این ترتیب، نگاه تاریخی به پدیده‌های اجتماعی و تأکید بر نقش هنجارها، قواعد و فرهنگ نیز در این دیدگاه مطرح می‌شود. چراکه آن‌ها معتقدند که امنیت همیشه بر پایه ارجاع عینی نیست و ارتباط انسانی و نقش هنجارها [در تأمین امنیت] مهم و تأثیرگذار است (همان).

از آن‌جا که ال ویور و باری بوزان به یک مکتب تعلق دارند، لذا نظرات مشابهی در مورد امنیت اجتماعی ارائه داده‌اند. با این تفاوت که ویور در کتاب «هویت، مهاجرت و منشور جدید امنیت در اروپا»^۳ (۱۹۹۳) دست به مفهوم‌سازی مجدد از رهیافت پنج‌بعدی^۴ بوزان درباره‌ی امنیت زد (نصری، ۱۳۷۸: ۱۳۶). ویور «امنیت ساخته و پرداخته شده در اجتماع» را مطرح می‌کند. مدعای وی

1 - Objectiv & Subjectiv

2 - Jaap de Wilde

3 - Ole Weaver (1993) Identity, migration and the new security agenda in Europe

۴- رهیافت پنج‌بعدی بوزان به مقوله امنیت عبارت‌است از: امنیت اجتماعی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی که تمامی این ابعاد، بخش‌هایی

از امنیت ملی به شمار می‌روند (روی، ۱۹۹۶: ۳)

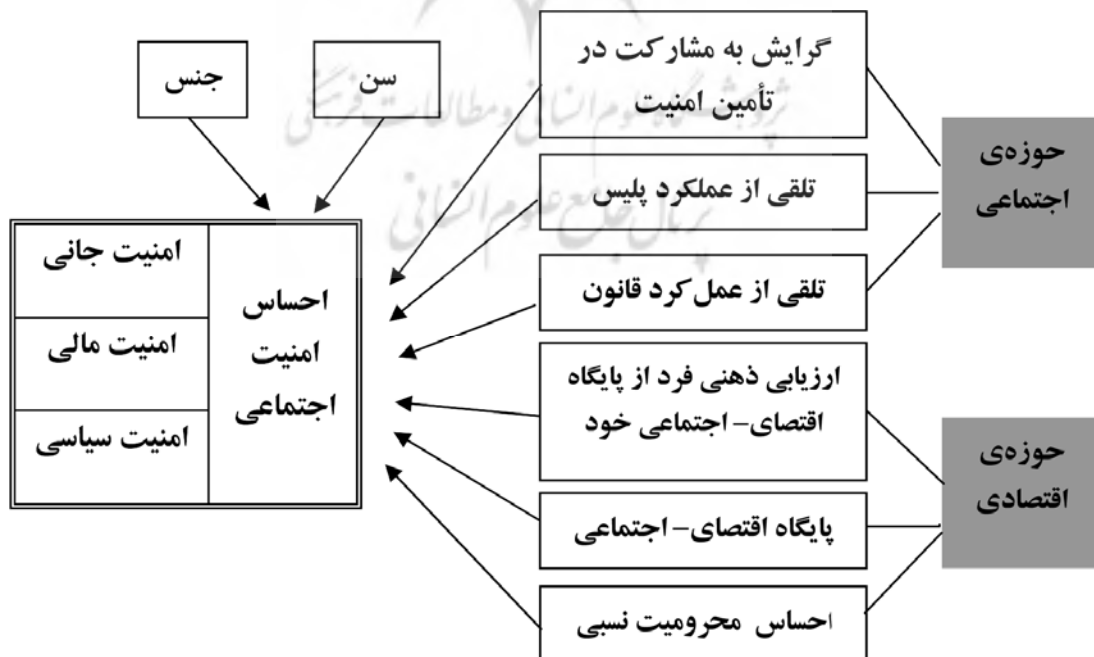
متفاوت گرایش‌های ارزشی در نقشی است که از فرد انتظار می‌رود در هر نظام اجتماعی ایفا کند (از کیا، ۱۳۷۷: ۹۵). بدین معنی در موقعیت‌هایی که تهدید و ناامنی متوجه اجتماع می‌شود، از فرد انتظار می‌رود گرایش‌های جهت تأمین امنیت اجتماع و محیط، از خود نشان دهد. این امر به عنوان ابزار کنترل درونی در اجتماع عمل کرده و تنها به واسطه‌ی اجتماعی شدن صحیح، صورت‌پذیر خواهد بود. بدین سان، حفظ نظم و امنیت اجتماعی در نظریه پارسنز، مبتنی بر دو عنصر: ۱- اجتماعی کردن و ابزار درونی کنترل ۲- نظارت اجتماعی و ابزار بیرونی کنترل می‌باشد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۳۷-۱۳۶).

مدل تحلیلی زیر برگرفته از چارچوب نظری مقاله (آراء باری بوزان، ال و یور و تالکوت پارسنز) می‌باشد:

پارسنز، نهادهای قانونی و حقوقی از تحقق کارکردها در جامعه خبر می‌دهد و یگانگی مورد نظر پارسنز را فراهم می‌کند، لذا جامعه با تثبیت نهادهای حقوقی و قانونی، نظم، امنیت و دوام خود را موجب خواهد شد (بشیریه، ۱۳۷۳: ۸۹). مقاله حاضر با الهام از این تفکر، به تحلیل ارتباط میان تلقی افراد از عملکرد قانون و پلیس - به عنوان ابزارهای نظارت و کنترل بیرونی - و احساس امنیت اجتماعی آنان پرداخته است.

روشن است که حفظ نظم و امنیت در نظریه‌ی پارسنز تنها به ابزارهای نظارت و کنترل بیرونی خلاصه نمی‌شود، بلکه ابزار درونی کنترل و عنصر اجتماعی کردن را نیز دربرمی‌گیرد. مفهوم سوگیری یا گرایش که در مقاله‌ی حاضر بررسی می‌شود، اشاره به همین موضوع دارد. به عقیده‌ی پارسنز، متغیرهای الگویی، دو شیوه‌ی

مدل روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته



(منبع: نگارندگان)

مبانی تجربی تحقیق

در زمینه‌ی امنیت اجتماعی در داخل و خارج^۱ از کشور مطالعاتی صورت گرفته است. در این قسمت به برخی از مهم‌ترین مطالعات انجام گرفته اشاره می‌کنیم.

غلامرضا خوشفر در سال ۱۳۷۸ تحقیقی با عنوان «بررسی مشارکت مردم در ایجاد حفظ و گسترش امنیت اجتماعی» به انجام رسانید. این تحقیق به روش پیمایشی و برای ساکنین ۲۰ سال به بالای مراکز شهرستان‌های استان مازندران به انجام رسیده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که پاسخگویان در حد کم احساس امنیت می‌کنند؛ گرایش پاسخگویان نسبت به برقراری امنیت در حد کم است؛ کم‌ترین احساس امنیت در بعد امنیت جانی و بیش‌ترین احساس امنیت در بعد امنیت مالی می‌باشد؛ مشارکت در تأمین امنیت، طبقه‌ی اجتماعی و جنس بر احساس امنیت اجتماعی اثرگذار می‌باشد (خوشفر، ۱۳۷۸). این پژوهش از آن‌جا که جزء اولین کارهای تحقیقاتی در زمینه امنیت اجتماعی می‌باشد که در داخل کشور انجام گرفته؛ توانسته راهنمای بسیاری از تحقیقات بعدی قرار بگیرد. انتقاد عمده به روش این پژوهش وارد است.

بدین معنی در حالی که هدف محقق و آنچه در این پژوهش مطمع نظر بوده، تأثیر مشارکت مردم در ایجاد حفظ و گسترش امنیت اجتماعی بوده؛ لکن محقق به

عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مردم در تأمین امنیت توجه بیشتری نموده و کم‌تر به بررسی تأثیر مشارکت مردم در ایجاد امنیت اجتماعی پرداخته است.

نیروی انتظامی ج.ا.ا. طی سال‌های ۱۳۸۳ (پیمایش اول) و ۱۳۸۴ (پیمایش دوم) نظرسنجی‌هایی در خصوص «میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان مراکز استان‌های کشور» به عمل آورد. جمعیت آماری این نظرسنجی کلیه‌ی شهروندان بالاتر از ۱۵ سال ساکن در مراکز استان‌های کشور بوده و اهداف اصلی نظرسنجی در پیمایش دوم عبارت بود از: سنجش میانگین ناامنی در جامعه که ۹۳/۱ نشان داده شد؛ سنجش میزان احساس ناامنی که ۵۶/۹ بود؛ ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی، که میانگین نمرات پاسخگویان به عملکرد ناجا ۲۸/۷ بوده است؛ بررسی نقش سازمان‌های مختلف در امنیت شهروندان، که طبق آن، نیروی انتظامی، قوه قضائیه و مراکز فوریتی، بیش‌ترین نقش و وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان تأمین اجتماعی و شورای شهر، کم‌ترین نقش را در تأمین و حفظ امنیت شهروندان داشتند (کرامتی، ۱۳۸۵). عمده‌ترین حُسن این پژوهش، در سنجش متغیر وابسته تحقیق می‌باشد؛ به این معنی که برای سنجش احساس امنیت اجتماعی از شاخص‌های زیادی (حدود ۲۰ گویه) استفاده می‌شود. دیگر این که در تعداد زیادی از نظرسنجی‌ها به صورت متداول از همین شاخص‌ها بهره گرفته شده؛ که این امر از سویی موجب افزایش اعتبار شاخص‌ها طی پژوهش‌های مختلف شده و

۱ - به دلیل محرمانه بودن اغلب اطلاعات مربوط به امنیت جوامع؛ امکان دستیابی به تحقیقات انجام شده در خارج از کشور، برای محققین داخلی بسیار دشوار و گاه غیرممکن است که این نقص علمی در زمینه‌ی مطالعات امنیت، موجب شده تا، پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی امنیت اجتماعی، عمدتاً فاقد پیشینه خارجی باشند.

از سوی دیگر به دلیل استفاده از پرسش‌نامه‌ی آزمون‌شده-ی پیشین، امکان مقایسه نتایج را فراهم آورده است. این پژوهش نیز مانند بسیاری از طرح‌های تحقیقاتی انجام شده از سوی دولت، به لحاظ نظری ناقص و نارسا می‌باشد؛ بدین معنی که فاقد چارچوب نظری متناسب بوده و در بخش نظری این پژوهش تنها به یک نظریه (نظریه پارسونز) به صورت مختصر اشاره شده است.

جمیل صمدی بگه‌جان، در سال ۱۳۸۴ «امنیت اجتماعی در سنندج» را مورد بررسی قرار داد. جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در مناطق مرکز و حاشیه سنندج بود. روش پژوهش مصاحبه عمیق بوده که طی آن با ۶۰ نفر مصاحبه به عمل آمده است. محقق تأثیر متغیرهایی هم‌چون پایگاه اقتصادی - اجتماعی، امنیت مالی، امنیت سرمایه‌گذاری، هویت قومی و امنیت سیاسی را بر امنیت اجتماعی (در دو بعد عینی و ذهنی) ساکنین مورد بررسی قرار داده است. مهم‌ترین نتیجه‌ی این تحقیق نشان می‌دهد که افراد و خانواده‌ها، هرکدام تهدیدات و ناامنی خاص خود را دارا هستند اما مرکز ثقل تهدیدات، تهدیدهای اقتصادی می‌باشد. در واقع امنیت اجتماعی افراد و خانواده‌ها از سوی عوامل موجود در حوزه‌ی اقتصادی سلب و تهدید می‌شود (صمدی بگه‌جان، ۱۳۸۴). در این اثر، نویسنده با برخورداری از مباحث نظری کامل و منسجم و انتخاب روش کیفی (مصاحبه عمیق) در جمع‌آوری داده‌ها، به بطن جامعه و زندگی مردم نفوذ کرده و عوامل ایجاد یا

تهدید امنیت را از دید پاسخگویان روشن ساخته است. نقدی که بر این تحقیق وارد است، مربوط به سنجش بعد عینی امنیت اجتماعی می‌باشد؛ چراکه سنجش بعد عینی امنیت اجتماعی، نیازمند داده‌های آماری وسیع و شاخص‌هایی در سطح کلان می‌باشد که محقق با پرسش از افراد نمی‌تواند به سنجش این بُعد از امنیت اجتماعی، چنان‌که باید، نائل آید.

زین‌العابدین افشار در سال ۱۳۸۵ به «بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان در شهرستان تهران»، پرداخت. تحقیق به صورت پیمایشی و برای زنان بین ۱۵ تا ۴۵ سال شهرستان تهران انجام گرفته و نتایج آن نشان داد؛ وضعیت تأهل، شغل، تحصیلات، عمل کرد پلیس، عمل - کرد قانون، حمایت اجتماعی و هنجار اجتماعی بر امنیت اجتماعی زنان تأثیر چشم‌گیری دارد، در حالی که سن، درآمد، قومیت، سبک زندگی و وسایل ارتباطی بر امنیت اجتماعی زنان تأثیر چندانی ندارد (افشار، ۱۳۸۵). عمده‌ترین نقدی که بر این تحقیق وارد است، تداخل مباحث نظری و عدم دسته‌بندی روشن از رویکردهای امنیت می‌باشد.

لایندستروم و همکاران^۱ در سال ۲۰۰۳ در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر احساس ناامنی در محله اقدام نمودند. جمعیت آماری تحقیق را افراد ۲۰ تا ۸۰ سال شهر مالمو سوئد تشکیل داده و حجم نمونه در آن ۵۶۰۰ نفر در نظر گرفته شد. میزان مشارکت در این

1 - Lindstrom, Martin; Merlo, Joan & Ostergren, Per-Olof

۱- شناخت تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی بر احساس امنیت اجتماعی.

برای رسیدن به این هدف، فرضیه‌های اول، دوم طرح شده است و طی تحقیق به آزمون برده شده‌اند.

۲- شناخت تأثیر عوامل اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی.

جهت رسیدن به این هدف، فرضیه‌های سوم، چهارم و پنجم مطرح شده و طی تحقیق مورد آزمون واقع شده‌اند.

۳- شناخت تأثیر عوامل اقتصادی بر احساس امنیت اجتماعی.

فرضیه‌های ششم و هفتم به منظور دست‌یابی به این هدف، طرح شده و طی تحقیق تحت آزمون قرار گرفته‌اند.

مجموع فرضیات مطرح شده در این تحقیق عبارتند از:

فرضیه نخست: بین سن و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد

فرضیه دوم: بین جنس و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: بین گرایش به مشارکت در تأمین امنیت و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین تلقی از عملکرد پلیس و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

پیمایش ۷۱ درصد بوده (به عبارتی ۷۱ درصد از افراد، پرسش‌نامه‌ها را پاسخ داده و برگرداندند). در این مطالعه، سرمایه‌ی اجتماعی با توجه به عوامل فردی و محله‌ای سنجیده شده و منظور از عوامل محلی، شرکت در انتخابات شهری بوده است. نتایج نشان داد که عوامل محله‌ای ۷/۲ درصد از کل واریانس احساس ناامنی افراد را تبیین می‌کند. این تأثیر با وارد کردن عوامل فردی در مدل، کاهش یافته و به ۰/۷ درصد می‌رسید. در نهایت - با حذف عوامل فردی - سرمایه‌ی اجتماعی با توجه به مشارکت در انتخابات سنجیده شد و توانست تا حد زیادی (۷/۲) احساس ناامنی افراد را تبیین نماید (لایندستروم و دیگران، ۲۰۰۳). لایندستروم و همکاران، با سنجش سرمایه اجتماعی تنها به واسطه‌ی مشارکت در انتخابات، از سنجش متغیرهای کاذب، مداخله‌گر، واسط و... غفلت ورزیده‌اند. چراکه سرمایه اجتماعی را تنها به واسطه شرکت در انتخابات مورد سنجش قرار داده‌اند؛ در حالی - که شرکت در انتخابات خود از متغیرهای دیگری - که در تحقیق مزبور از آن‌ها چشم‌پوشی شده - تأثیر می‌پذیرد.

اهداف و فرضیه‌های تحقیق

هدف کلی از انجام این تحقیق، شناخت تأثیر برخی عناصر اجتماعی و اقتصادی بر احساس امنیت اجتماعی است که به اهداف جزئی ذیل تقسیم می‌شود:

«آزادی» [امنیت سیاسی]، و «مایملک» [امنیت مالی]، است که در حالت عادی فاقد امنیت هستند (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۴). به علاوه بوزان تهدیدات را به سه نوع فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، عدم دسترسی به کار یا منابع)، تهدیدات نسبت به حقوق، همراه با تهدیدات موقعیت یا وضعیت (زندانی شدن، از بین رفتن آزادی‌های عادی، تنزل رتبه، تحقیر در انظار عامه) تقسیم می‌کند که بیانگر سه بعد مزبور می‌باشد (همان: ۵۵). برای عملیاتی نمودن این ابعاد، مجموعاً از ۲۵ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده و در مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. برخی تعاریف مفهومی و عملیاتی هریک از ابعاد احساس امنیت اجتماعی به شرح زیر است:

امنیت جانی: هرگونه تهدیدی که بر علیه جان انسان‌ها وجود داشته باشد امنیت جانی آن‌ها را از بین می‌برد. بنابراین شرایط امنیت جانی شرایطی است که هیچ‌گونه تهدیدی بر علیه جان افراد جامعه وجود نداشته باشد. معرف‌های این متغی، عمدتاً از تحقیقات ناجا (۱۳۸۴) و (۱۳۸۳) اخذ شده است.

امنیت مالی: منظور از امنیت مالی این است که دارایی و اموال افراد تا چه حد در امنیت می‌باشد و این دارایی‌ها مورد تهدید قرار نمی‌گیرند (صمدی بگه-جان، ۱۳۸۴: ۷۳). معرف‌های بُعد امنیت مالی، عمدتاً از تحقیقات ناجا (۱۳۸۴) و (۱۳۸۳) و صمدی بگه-جان (۱۳۸۴) اخذ شده است.

فرضیه پنجم: بین تلقی از عملکرد قانون و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیه ششم: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیه هفتم: بین احساس محرومیت نسبی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

تعریف مفاهیم و عملیاتی نمودن متغیرهای تحقیق متغیر وابسته

با تکیه بر آراء بوزان و ویور که نقطه‌ی آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم کنشگران معرفی می‌کنند؛ متغیر وابسته‌ی تحقیق، «احساس امنیت اجتماعی» در نظر گرفته شده است. احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از این که ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی مورد تهدید قرار گیرند و یا به مخاطره افتند. هم‌چنین نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود. (افشار، ۱۳۸۵: ۶۱). احساس امنیت اجتماعی در این مطالعه به سه بُعد امنیت مالی، امنیت جانی و امنیت سیاسی^۱ تقسیم شده است. بوزان و ویور با الهام از عقاید جان لاک به تحلیل ابعاد امنیت پرداخته‌اند. بوزان در جمله‌ای از جان لاک نقل می‌کند که: هدف اصلی انسان‌ها از این که خود را در اختیار دولت قرار می‌دهند، حفظ دارایی آنهاست. منظور از دارایی در این جا؛ «حیات» [امنیت جانی]،

1 - life Security, Property Security and Political Security

امنیت سیاسی: امنیت سیاسی، یعنی افراد جامعه تا چه حد احساس می‌کنند که می‌توانند، باورهای خود را آزادانه بیان نمایند و فعالیت‌های سیاسی، پیامد منفی برای آن‌ها نداشته باشد (همان: ۷۴). برای ساخت این شاخص عمدتاً از تحقیقات کامل السعید (۱۳۸۰)^۱ و صمدی بگه-جان (۱۳۸۴) الهام گرفته شده است.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل این تحقیق، در دو حوزه مطرح شده‌اند؛ متغیرهای حوزه‌ی اجتماعی، شامل گرایش به مشارکت در تأمین امنیت^۲، تلقی از عمل کرد پلیس^۳ و تلقی از عمل کرد قانون^۴ و متغیرهای حوزه‌ی اقتصادی که شامل دو متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی^۵ (در دو بعد) و احساس محرومیت نسبی^۶ می‌باشند. به‌علاوه‌ی برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی، که طبق آن سن، جنس افراد مورد پرسش قرار گرفته است.

گرایش به مشارکت در تأمین امنیت: منظور

از آن، تمایل پاسخگو و آمادگی روانی برای اقدام به رفتارهای مشارکت‌جویانه در زمینه تأمین امنیت می‌باشد (خوشفر، ۱۳۸۴: ۲۷۴-۲۷۳). گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، در نظرات بوزان و ویور، به‌صورت تعهد و تکلیف

۱- رجوع کنید: کامل السعید، مصطفی (۱۳۸۱)، «مشروعیت و امنیت در کشورهای عربی (۱۹۹۶-۱۹۸۹)»، ترجمه قدیر نصری، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره مسلسل ۱۶.

- 2- Desire of Participation for Security Ensurance
- 3 - Construe from Police Function
- 4 - Construe from Law Function
- 5 - Social - Economic State (S.E.S)
- 6 - Relative Deprivation Feeling

و احساس مسئولیت فرد نسبت به جامعه خود، تأکید بر نقش هنجارها، قواعد، فرهنگ و ارتباط انسانی مطرح شده است. اما این متغیر در نظریه‌ی پارسنز مستقیماً تحت موضوعات گرایش و سوگیری مطرح می‌شود. برای عملیاتی نمودن این متغیر از ۴ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده و در سطح مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده است. شاخص‌های این متغیر عمدتاً از تحقیق خوشفر (۱۳۷۸) انتخاب شده‌اند.

تلقی از عملکرد پلیس: عملکرد پلیس به عنوان

ابزار کنترل بیرونی افراد می‌تواند در ایجاد احساس امنیت اجتماعی مؤثر باشد که شامل در دسترس بودن، حضور مستمر در محیط‌های عمومی و رضایت از عملکرد می‌باشد (افشار، ۱۳۸۵: ۶۱). در این تحقیق تلقی فرد از عملکرد پلیس مدنظر است. جهت عملیاتی نمودن این مفهوم از ۴ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده و در سطح مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده است.

تلقی از عملکرد قانون: قانون یکی دیگر از

ابزارهای کنترل بیرونی افراد و تأمین‌کننده‌ی امنیت اجتماعی است که به دو طریق بالقوه و بالفعل می‌تواند امنیت اجتماعی را برای افراد فراهم کند: نخست، از طریق تصویب یا عدم تصویب قوانینی که باعث می‌شود برخی راه‌های تهدیدات علیه افراد بسته شود؛ دوم، از طریق رسیدگی جدی و دفاع از حقوق افراد (همان). در این مقاله تلقی فرد از عملکرد قانون مدنظر است. متغیرهای تلقی از عملکرد قانون و تلقی از عملکرد پلیس مستقیماً از

این دو رابطه‌ی مثبت میان پایگاه اقتصادی-اجتماعی و امنیت را بیان می‌دارند.

متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی در مقاله‌ی حاضر به دو شیوه‌ی عینی و ذهنی^۱، عملیاتی شده است و برای عملیاتی نمودن آن، مجموعاً از ده گویه استفاده شده که چهار گویه مربوط به شیوه‌ی عینی و شش گویه مربوط به شیوه‌ی ذهنی می‌باشد. این متغیر در سطح مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده است. شاخص‌های مربوط به شیوه‌ی عینی، شامل سطح تحصیلات، نوع شغل، میزان درآمد و نوع مسکن می‌باشد. منظور از ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اقتصادی-اجتماعی، ارزیابی پاسخگو از جایگاه خود در ساختار اجتماعی از دیدگاه خود اوست که می‌تواند به عنوان متغیر اثرگذار محسوب گردد. ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اقتصادی-اجتماعی در قالب طیف لیکرت پنج-گزینه‌ای اندازه‌گیری می‌شود. چنان‌که پاسخگو تحت تکفل باشد، این پرسش شامل حال عهده‌دار تکفل و در غیر این صورت، متوجه خود اوست. گویه‌های این مقیاس به قرار زیر است:

- ۱- فکر می‌کنید مردم جامعه وضعیت تحصیلی شما (چه باسواد؛ چه بی‌سواد) را چگونه ارزیابی می‌کنند؟
- ۲- فکر می‌کنید مردم جامعه وضعیت شغلی شما (چه شاغل؛ چه بیکار) را چگونه ارزیابی می‌کنند؟

نظریه‌ی پارسنز اخذ شده و در انتخاب شاخص‌ها از تحقیق خوشفر (۱۳۷۸) بهره گرفته شده است. برای عملیاتی نمودن تلقی از عملکرد قانون، از چهار گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده و در سطح مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی: نظام قشربندی

اجتماعی، افراد را بر حسب میزان برخورداری‌شان از کیفیت‌های مطلوب، رتبه‌بندی کرده و آن‌ها را در طبقات اجتماعی متناسب با وضعیت‌شان جای می‌دهد (کوئن، ۱۷۸ به نقل از خوشفر، ۱۳۸۴: ۲۷۵). تأثیر این متغیر بر احساس امنیت اجتماعی در هریک از نظریه‌های استفاده شده در این تحقیق قابل مشاهده است؛ در نظریه پارسنز، یکی از عوامل عمده افزایش ناهنجاری‌ها که مخل امنیت جامعه است، بیکاری و نرخ افزایش آن، عدم امنیت شغلی و اطمینان از تأمین مخارج زندگی است (نوبدینا، ۱۳۸۵: ۴۷). متغیر فوق در آراء بوزان و ویور در مباحث گوناگون بیان شده است. این اندیشمندان، اصول امنیت ملی را مبتنی بر رضایت عمومی، عدالت اجتماعی، تأمین رفاه و برآورده شدن نیازهای جامعه می‌دانند (ربیع، ۱۳۸۲:

۱۳۸). به علاوه، باری بوزان و ال ویور در نقد لیبرالیسم، بر وجود فاصله طبقاتی بین افراد و جوامع تأکید نموده و معتقدند که ناامنی اقتصادی از ره‌آورد‌های لیبرالیسم است که هم اصل ناامنی و هم احساس ناامنی را در حیات بشری افزون کرده است (بوزان؛ ویور، ۱۹۹۸: ۲۳). به این ترتیب

۱- عملیاتی نمودن متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی به شیوه‌ی ذهنی (در ۵ سؤال اول) به اهتمام یکی از نویسندگان مقاله (دکترسید عبدالحسین نبوی)، صورت پذیرفته و نخستین بار در مقاله حاضر به کار گرفته شده است. ضریب آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۷۱ محاسبه گردید.

که توسط تدرابرت گر^۳ مطرح شده و بیشتر با حوزه‌ی اقتصادی زندگی افراد مرتبط می‌باشند، عبارتند از: مقایسه‌ی (برابری یا نابرابری) امکانات رفاهی خانواده، منطقه محل سکونت و وضعیت اقتصادی فرد با دیگران.

روش تحقیق

پژوهش حاضر در سال ۱۳۷۸ به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه صورت گرفته که از بین کل شهرستان‌های کشور، شهرستان اهواز به‌عنوان منطقه‌ی مورد مطالعه در نظر گرفته شده است. نمونه‌ی مورد مطالعه ۶۰۰ نفر از جمعیت ۱۶ سال و بالاتر شهرستان می‌باشد که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردیده است. نحوه‌ی انتخاب نمونه از طریق نقشه‌ی پستی شهرستان اهواز، به این شکل بوده که، از میان ۱۴۸ گشت پستی، ۲۵ درصد، یعنی ۲۹ گشت پستی به طور تصادفی انتخاب گردید. سپس در هر گشت پستی، به نسبت تعداد خانوار، یک یا چند جزء پستی به طور تصادفی انتخاب شده و پس از آن با کمک جدول «تعیین حجم نمونه از روی حجم جامعه» که توسط کرجسی و مورگان^۴ (۱۹۷۰) تنظیم شده است، حجم نمونه‌ی مورد نظر در هر جزء پستی تعیین گردید. در آخرین مرحله، نقطه‌ای از بلوک‌های موجود در هر جزء پستی به صورت تصادفی انتخاب شده و منازل موجود در آن در نمونه جای گرفتند.

- ۳- فکر می‌کنید در آمد شما (یا خانواده‌تان) به چه میزان برای هزینه زندگی تان کفایت می‌کند؟
- ۴- اگر شما (یا خانواده‌تان) مالک مسکن هستید، قیمت مسکن خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- ۵- اگر شما (یا خانواده‌تان) مالک مسکن نیستید، توانایی مالی خود را برای خرید مسکن در چه حد می‌دانید؟^۱
- ۶- اگر مردم را به ۵ طبقه اقتصادی (خیلی بالا، بالا، متوسط، پایین و خیلی پایین) تقسیم کنند، شما خود را در کدام طبقه اقتصادی جای می‌دهید؟^۲

احساس محرومیت نسبی: محرومیت نسبی، به صورت احساس بازیگران بر وجود داشتن اختلافات میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود (گر، ۱۹۶۷: ۳۵۲). این متغیر از نظریه‌های بوزان و ویور اخذ شده است. از نظر این اندیشمندان، قرار گرفتن افراد در معرض منافع برابر، مخاطرات مساوی، عدالت اجتماعی و... عاملی برای برقراری نظم و امنیت به شمار می‌رود. شاخص محرومیت نسبی از ترکیب سه سؤال که در قالب طیف لیکرت بوده و در سطح مقیاس فاصله‌ای سنجیده می‌شود، ساخته شده است. این معرف‌ها

۱ - در خصوص دو سؤال مربوط به مسکن (در شیوه‌ی ذهنی سنجش پایگاه اجتماعی - اقتصادی)، باید خاطر نشان کرد که، پاسخگو تنها به یکی از این دو سؤال پاسخ می‌دهد؛ به این صورت که اگر (خود یا خانواده‌اش) دارای مسکن ملکی باشد به سؤال نخست و چنانچه (خود یا خانواده‌اش) دارای مسکن ملکی نباشد به سؤال دوم پاسخ خواهد داد.

۲ - سؤال اخیر، جهت اعتباریابی مقیاس فوق در نظر گرفته شده است.

3 - Gurr, Ted Robert

4 - Krejcie & Morgan

ایشان و حصول روایی محتوایی، در این تحقیق به کار بسته شده است. جهت اطمینان از پایایی (Reliability) ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضرایب آلفای کرونباخ برای هریک از متغیرهای مستقلی که در سطح سنجش فاصله‌ای قرار داشتند و متغیر وابسته (به‌طور کلی و به تفکیک ابعاد) در جدول زیر قید شده است.

در تدوین پرسش‌نامه، غالباً از شاخص‌های استفاده شده در تحقیقات پیشین بهره گرفته شده است. به این صورت که به‌گزینه‌های معتبرترین شاخص‌های گردآوری شده از بین شاخص‌های موجود در پرسش‌نامه‌های آزمون شده‌ی قبلی، اقدام نموده و برای حصول روایی (Validity) قابل قبول، ماده‌های مربوط در اختیار صاحب‌نظران جامعه‌شناس قرار گرفته و پس از داوری

جدول ۱) ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی متغیرها

نام متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
گرایش به مشارکت در تأمین امنیت	۰/۶۳
عملکرد پلیس	۰/۶۴
عملکرد قانون	۰/۶۰
ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اجتماعی-اقتصادی خود	۰/۷۱
محرومیت نسبی	۰/۸۸
امنیت جانی	۰/۸۴
امنیت مالی	۰/۸۶
امنیت سیاسی	۰/۹۷
احساس امنیت اجتماعی (مجموع ابعاد سه‌گانه)	۰/۹۱

توصیفی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ تفاوت میانگین احساس امنیت جمعیت نمونه در هریک از ابعاد متغیر وابسته می‌باشد. به‌گونه‌ای که افراد نمونه در امنیت مالی، از کم‌ترین میزان احساس امنیت برخوردارند. پس از آن، کم‌ترین میزان احساس امنیت، مربوط به امنیت سیاسی آن‌ها بوده و بیش‌ترین میزان احساس امنیت، مربوط به امنیت جانی می‌باشد. این نتایج در جدول شماره ۱ قید شده است.

نتایج و یافته‌های تحقیق

داده‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین سن جمعیت نمونه ۳۳/۲۷ سال، حداکثر سن ۸۵ سال و حداقل آن ۱۷ سال می‌باشد. ۵۱/۷ درصد کل جمعیت نمونه را مردان و ۴۷/۵ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین میانگین احساس امنیت اجتماعی جمعیت نمونه ۴۹/۰۹ می‌باشد. آنچه که در بخش

جدول ۲) آماره‌های توصیفی مربوط به احساس امنیت اجتماعی و ابعاد سه‌گانه‌ی آن

امنیت سیاسی	امنیت مالی	امنیت جانی	احساس امنیت اجتماعی	
۴۸۵	۵۸۷	۵۸۱	۴۶۹	تعداد
۱۱۱	۹	۱۵	۱۲۷	مشاهدات بی‌پاسخ
۱۷/۴۷	۱۳/۲۵	۱۸/۴۳	۴۹/۰۹	میانگین
۹/۲۲۷۴۸	۵/۴۹۰۶۴	۵/۹۲۸۷۴	۱۴/۹۳۰۷۴	انحراف معیار
۸۵/۱۴۶۴۳	۳۰/۱۴۷۰۸	۳۵/۱۴۹۹۳	۲۲۲/۹۲۷۰۸	واریانس
۰/۸	۰/۶	۰/۸	۰/۲۲	حداقل
۰/۴۸	۰/۳۰	۰/۳۸	۰/۱۰۲	حداکثر

جدول ۳) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، مربوط به رابطه‌ی بین سن و احساس امنیت اجتماعی

سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی پیرسون	نام متغیر
۰/۳۷۸	۰/۰۱۴	سن

بررسی روابط بین متغیرها و آزمون فرضیه‌های تحقیق

۱- از آن‌جا که متغیرهای مستقل مطرح شده در فرضیه‌های اول، سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم هم‌چنین متغیر وابسته در این تحقیق در سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشند، بنابراین، مناسب‌ترین آزمون جهت تجزیه و تحلیل این گونه روابط، آزمون ضریب همبستگی پیرسون می‌باشد. همچنین در ادامه، پس از ذکر نتایج آزمون فرضیاتی که متغیرهای آن در سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشد، به همبستگی‌های تفکیکی بین متغیرها و کنترل روابط نیز اشاره می‌شود.

فرضیه نخست: بین سن و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین جنس و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

از آن‌جا که متغیر جنس اسمی (با دو مقوله) و متغیر احساس امنیت اجتماعی به صورت فاصله‌ای می‌باشد، مناسب‌ترین آزمون برای بررسی رابطه میان این دو متغیر، آزمون T-Test با دو نمونه مستقل می‌باشد. جدول شماره‌ی ۳، تفاوت میانگین احساس امنیت اجتماعی در بین زنان و مردان را نشان می‌دهد. آزمون T نشان می‌دهد که جنسیت ارتباط معنی‌داری با احساس امنیت اجتماعی فرد ندارد (sig = ۰/۰۹۷۲ > ۰/۰۵). اما در تحلیل ارتباط متغیر جنس با ابعاد سه‌گانه متغیر وابسته، نتایج حاکی از آن

فرضیه نخست: بین سن و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول شماره‌ی ۳، رابطه‌ی سن و احساس امنیت اجتماعی افراد را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، مؤید آن است که سن افراد تأثیر چندانی بر احساس امنیت اجتماعی آن‌ها ندارد.

۱- از آن‌جا که متغیرهای مستقل مطرح شده در فرضیه‌های اول، سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم هم‌چنین متغیر وابسته در این تحقیق در سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشند، بنابراین، مناسب‌ترین آزمون جهت تجزیه و تحلیل این گونه روابط، آزمون ضریب همبستگی پیرسون می‌باشد. همچنین در ادامه، پس از ذکر نتایج آزمون فرضیاتی که متغیرهای آن در سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشد، به همبستگی‌های تفکیکی بین متغیرها و کنترل روابط نیز اشاره می‌شود.

است که جنسیت فرد تنها در امنیت جانی (بعد جانی متغیر وابسته)، اهمیت خود را نشان می‌دهد و میانگین امنیت جانی، بین دو جنس با هم متفاوت می‌باشد ($0/05 <$).

جنس، زنان نسبت به مردان از امنیت جانی کمتری برخوردارند. ($0/041 = sig$). به این صورت که در مقایسه‌ی بین دو

جدول ۴) نتایج آزمون T با دو گروه مستقل، مربوط به رابطه‌ی بین جنس و احساس امنیت اجتماعی

جنس	درجه آزادی	T	سطح معنی‌داری
واریانس‌های برابر	۴۶۲	-۱/۶۶۵	۰/۰۹۷

فرضیه سوم: بین گرایش به مشارکت در تأمین امنیت و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

در جدول شماره‌ی ۶، نتایج آزمون رابطه بین متغیر گرایش به مشارکت در تأمین امنیت با متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی) قید شده است. طبق اطلاعات این جدول، گرایش به مشارکت در تأمین امنیت با اطمینان زیاد ($0/01 < sig = 0/001$) با احساس امنیت اجتماعی افراد در رابطه است. این نتایج در جدول ۶ مشاهده می‌شود. متغیر گرایش به مشارکت در تأمین امنیت با دو بعد متغیر وابسته؛ یعنی ابعاد امنیت جانی ($0/15^{**} = r$) و بعد متغیر وابسته؛ یعنی ابعاد امنیت سیاسی ($0/13^{**} = r$ و $0/003 = sig$) در ارتباط است و با بعد امنیت مالی ارتباط معنی‌داری ندارد. به علاوه، یافته‌های تحقیق نشان داد، کسانی که نسبت به مشارکت در تأمین امنیت، گرایش بیشتری از خود نشان می‌دهند، از احساس محرومیت نسبی کمتری برخوردارند.

جدول ۵) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین گرایش به مشارکت در تأمین امنیت و احساس امنیت اجتماعی

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
گرایش به مشارکت در تأمین امنیت	۰/۱۵**	۰/۰۰۱

**./sig < ۱

در بررسی ضریب همبستگی تفکیکی بین متغیر گرایش به مشارکت در تأمین امنیت و متغیر احساس امنیت اجتماعی، با کنترل سایر متغیرهای مستقل (تلقی از عملکرد پلیس، تلقی از عملکرد قانون، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و محرومیت نسبی) $0/0943 = r$ می‌باشد. این رابطه با $0/246 = sig$ رد می‌شود. بدین معنا که ضریب همبستگی پیرسون، زمانی که اثر متغیرهای مستقل دیگر بر روی گرایش به مشارکت در تأمین امنیت کنترل می‌شود، معنی‌داری خود را از دست می‌دهد.

در بررسی ضریب همبستگی تفکیکی بین متغیر گرایش به مشارکت در تأمین امنیت و متغیر احساس امنیت اجتماعی، با کنترل سایر متغیرهای مستقل (تلقی از عملکرد پلیس، تلقی از عملکرد قانون، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و محرومیت نسبی) $0/0943 = r$ می‌باشد. این

فرضیه چهارم: بین تلقی از عملکرد پلیس و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. اطلاعات جدول شماره ۶، نشان می‌دهد که تلقی فرد از عملکرد پلیس با اطمینان قوی ($0/01 < 0/000 = \text{sig}$)، بر احساس امنیت اجتماعی او اثر گذار است. چراکه

با افزایش این متغیر، احساس امنیت اجتماعی فرد بیش‌تر می‌شود. متغیر تلقی از عملکرد پلیس با ابعاد امنیت جانی ($0/19^{**} = r$ و $0/000 = \text{sig}$) و امنیت مالی ($0/14^{**} = r$ و $0/000 = \text{sig}$) رابطه‌ی قوی دارد درحالی‌که با امنیت سیاسی رابطه‌ی معنی‌داری را نشان نمی‌دهد.

جدول ۶) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین تلقی از عملکرد پلیس و احساس امنیت اجتماعی

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
تلقی از عملکرد پلیس	0/18**	0/000

1 sig <./..**

ضریب همبستگی تفکیکی رابطه‌ی بین متغیر تلقی از عملکرد پلیس و احساس امنیت اجتماعی، با کنترل سایر متغیرهای مستقل (گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد قانون، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و محرومیت نسبی) برابر با $0/212 = r$ و $0/009 = \text{sig}$ می‌باشد. بنابراین ضریب همبستگی پیرسون، زمانی که اثر متغیرهای مستقل دیگر بر روی تلقی از عملکرد پلیس کنترل می‌شود، نیز معنی‌دار می‌باشد.

است که طبق آن، رابطه‌ی معنی‌داری بین این دو متغیر مشاهده نمی‌شود ($0/05 > 0/059 = \text{sig}$). لاکن هنگامی که ارتباط بین تلقی از عملکرد قانون با تک‌تک ابعاد متغیر وابسته مورد تحلیل قرار گرفت، مشخص شد که این متغیر بر امنیت جانی فرد تأثیر بسزایی دارد. این متغیر با اطمینان زیاد رابطه‌ی معنی‌داری با امنیت جانی ($0/13^{**} = r$ و $0/001 = \text{sig}$) فرد دارد. به این صورت که هرچه تلقی فرد از عملکرد قانون بهتر باشد، امنیت جانی او نیز بیشتر خواهد بود.

فرضیه پنجم: بین تلقی از عملکرد قانون و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

در جدول شماره ۶، نتایج آزمون رابطه‌ی بین تلقی از عملکرد قانون و احساس امنیت اجتماعی قید شده

جدول ۷) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین تلقی از عملکرد قانون و احساس امنیت اجتماعی

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
تلقی از عملکرد قانون	0/074	0/05

5 sig <./..**

همبستگی تفکیکی رابطه بین متغیر تلقی از عملکرد قانون و احساس امنیت اجتماعی، با کنترل سایر متغیرهای مستقل (گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و محرومیت نسبی) $r = -0/2173$ و $sig = 0/007$ می‌باشد. در این معنا، رابطه‌ی متغیر تلقی از عملکرد قانون و احساس امنیت اجتماعی، با کنترل اثر سایر متغیرهای مستقل، معنی‌دار و منفی است. چنین نتیجه‌ای می‌تواند ناشی از دو دلیل عمده باشد؛ نخست زمانی است که موارد قانونی که در آن حق و حقوق ضعیفاً لحاظ شده، به درستی اجرا نشود. در این هنگام افراد طبقات اجتماعی پایین‌تر که از احساس محرومیت نسبی بالایی نیز برخوردارند، با مراجعه به قانون در صدد احقاق حقوق ضایع شده خود برآمده، در حالی که افراد طبقات اجتماعی بالاتر با پشتوانه مالی خود، عملکرد قانون را به نفع خود تغییر می‌دهند. این امر موجب هراس افراد طبقات پایین از قانون شده و چنانچه نتایج تحقیق نشان می‌دهد، تلقی فرد از عملکرد قانون (عمدتاً برای افرادی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین و احساس محرومیت بالایی برخوردارند) با ایجاد هراس و ناامنی توأم می‌باشد.

دلیل دوم را شاید بتوان با رجوع به چارچوب نظری و تئوری‌های امنیت دریافت. برخی از صاحب‌نظران مکتب کپنهاگ معتقدند که تدابیر امنیتی و کنترل‌های اجتماعی، گاه موجب احساس هراس و ناامنی می‌شود. ویور از این پدیده با نام «امنیتی کردن» یاد کرده و برای نخستین بار در مکتب کپنهاگ به این موضوع اشاره می‌-

کند. بوزان نیز اگرچه بر لزوم کنترل‌های اجتماعی اذعان دارد، لکن از «تناقضی مضحک» یاد می‌کند که در رابطه با کنترل‌ها یا تدابیر امنیتی و احساس امنیت وجود دارد؛ وی معتقد است که تدابیر امنیتی و کنترل‌های اجتماعی، در برخی جوامع موجب هراس شده و چنانچه نتایج این تحقیق نشان داد در این حالت رابطه بین احساس امنیت و کنترل‌های اجتماعی (در این جا عمل کرد قانون) معکوس می‌شود.

فرضیه ششم: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و

احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۹، نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی (با توجه به شیوه‌های مختلف عملیاتی نمودن این متغیر) با متغیر وابسته می‌باشد. پایگاه اجتماعی - اقتصادی، هم با در نظر گرفتن شاخص‌های ذهنی ($sig = 0/001 < 0/01$) و هم با در نظر گرفتن شاخص‌های عینی ($sig = 0/048 < 0/01$) بر احساس امنیت اجتماعی افراد تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. بنابراین افراد متعلق به طبقه‌ی اجتماعی بالا از احساس امنیت اجتماعی بیش‌تری نسبت به افراد متعلق به طبقه‌ی اجتماعی پایین، برخوردارند. این متغیر با توجه به شاخص‌های ذهنی بر هراس بعد متغیر وابسته؛ یعنی امنیت جانی ($r = 0/16^{**}$ و $sig = 0/007$)، امنیت مالی ($r = 0/25^{**}$ و $sig = 0/000$) و امنیت سیاسی ($r = 0/15^{**}$) و $r = 0/017$ ($sig = 0/017$) اثرگذار می‌باشد، و با در نظر گرفتن شاخص‌های عینی، تنها با امنیت سیاسی ($r = 0/10^*$) و $r = 0/017$ ($sig = 0/017$) در ارتباط است.

جدول ۸) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی (به تفکیک شیوهی عملیاتی عینی و ذهنی) و احساس امنیت اجتماعی

نام متغیر	شاخص‌ها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اقتصادی - اجتماعی خود	۰/۲۳**	۰/۰۰۱
	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۰/۸۰*	۰/۰۴۸

sig <./.. ۵ *۱ sig <./..**

فرضیه هفتم: بین احساس محرومیت نسبی و

احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

در جدول شماره ۱۰، نتایج آزمون رابطه‌ی بین احساس محرومیت نسبی و احساس امنیت اجتماعی قید شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، متغیر احساس محرومیت نسبی، تأثیر معکوس (منفی) و معنی‌داری بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارد ($\text{sig} = 0/000 < 0/01$). بدین معنی که هرچه فرد احساس محرومیت نسبی بیش‌تری داشته باشد، احساس امنیت اجتماعی کم‌تری خواهد داشت، درحالی‌که با کاهش این متغیر، احساس امنیت اجتماعی فرد افزایش خواهد یافت. احساس محرومیت نسبی، با دو بعد متغیر وابسته؛ یعنی امنیت جانی ($\text{sig} = 0/11^{**}$) و امنیت سیاسی ($\text{sig} = 0/005$) و امنیت مالی رابطه‌ی قوی دارد و با امنیت مالی رابطه‌ی معنی‌داری ندارد.

همبستگی تفکیکی رابطه بین متغیر پایگاه اقتصادی -

اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی، با کنترل سایر متغیرهای مستقل (گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس، تلقی از عملکرد قانون و محرومیت نسبی)، با در نظر گرفتن شاخص‌های عینی، $r = -0/0395$ و $\text{sig} = 0/625$ محاسبه گردید، لذا در صورت کنترل اثر سایر متغیرهای مستقل بر روی ماغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، این متغیر رابطه‌ی خود را با متغیر وابسته از دست می‌دهد.

اما، محاسبه‌ی همبستگی تفکیکی رابطه‌ی بین شاخص‌های ذهنی پایگاه اقتصادی - اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی، نشان داد که $r = 0/3245$ و $\text{sig} = 0/000$ می‌باشد. در این معنا، ضریب همبستگی پیرسون بین شاخص‌های ذهنی پایگاه و متغیر وابسته، زمانی که اثر متغیرهای مستقل دیگر کنترل می‌شود، با اطمینان قوی افزوده می‌شود.

جدول ۹) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، بین احساس محرومیت نسبی و احساس امنیت اجتماعی

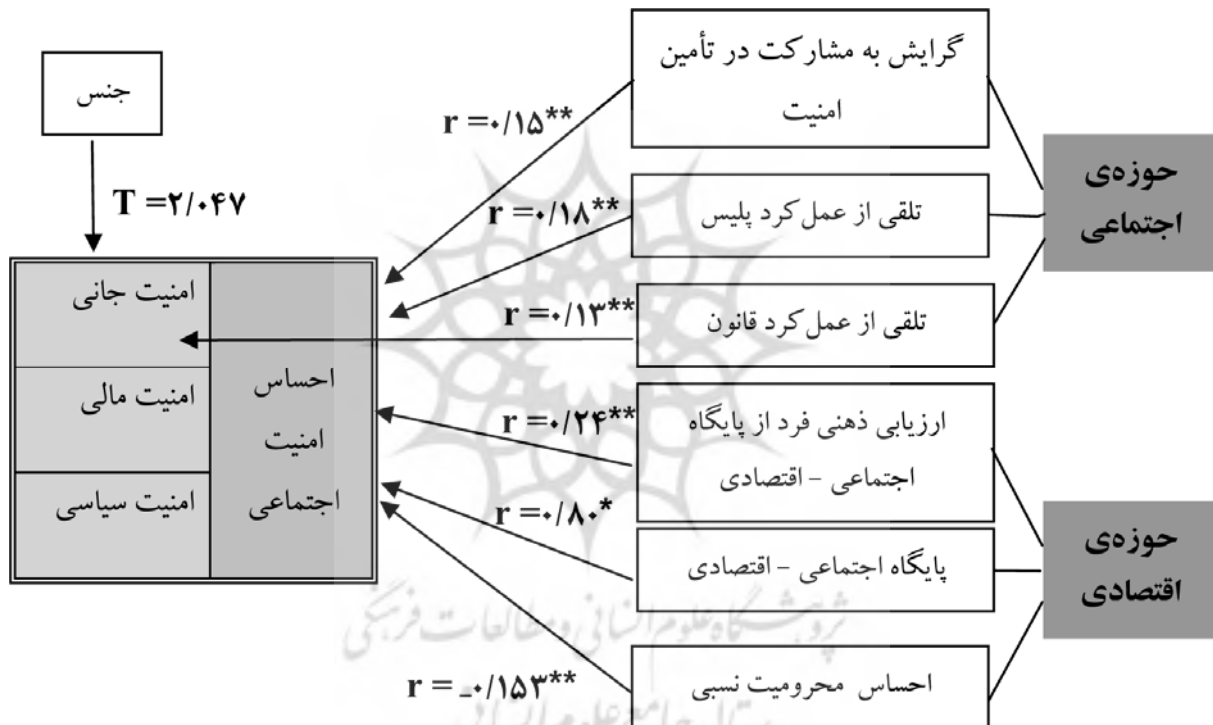
نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
احساس محرومیت نسبی	- ۰/۱۵۳**	۰/۰۰۰

sig <./..**

است. در واقع، ضریب همبستگی پیرسون بین محرومیت نسبی و احساس امنیت اجتماعی، در صورتی که اثر دیگر متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته کنترل شود، افزوده می‌شود.

ضریب همبستگی تفکیکی رابطه بین متغیر محرومیت نسبی و احساس امنیت اجتماعی، با کنترل سایر متغیرهای مستقل (گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس، تلقی از عملکرد قانون، پایگاه اقتصادی-اجتماعی)، برابر با $r = -0/17$ و $sig = 0/000$

مدل معنی‌داری روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته



(منبع: نگارندگان)

مورد مطالعه انتخاب گردیده است. دلیل انتخاب شهرستان اهواز به عنوان منطقه‌ی مورد مطالعه، بالا بودن میانگین ناامنی در این شهرستان می‌باشد. این شهرستان طی نظرسنجی‌های سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ که از سوی ناجا به عمل آمده، رتبه دوم ناامنی را در کشور داشته است. میانگین احساس امنیت اجتماعی ساکنین شهرستان اهواز،

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی بر احساس امنیت اجتماعی صورت گرفته است. از بین کل شهرستان‌های کشور، شهرستان اهواز به عنوان منطقه‌ی مورد مطالعه در نظر گرفته شده و ۶۰۰ نفر از جمعیت ۱۶ سال و بالاتر این شهرستان به عنوان نمونه‌ی

بین برخی متغیرهای مستقل به منظور تحلیل عمیق‌تر اطلاعات و ضرایب همبستگی تفکیکی به منظور اطمینان از خلوص روابط، نیز مورد بررسی قرار گرفتند. این اقدام نشان داد که متغیرهای موجود در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی، روابط تنگاتنگی با هم دارند و علاوه بر این که به صورت مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند، هم‌چنین با اثرگذاری بر روی هم نیز می‌توانند بر احساس امنیت افراد مؤثر باشند. روابط و تأثیرات متغیرهای مستقل بر هم، و بر متغیر وابسته در این تحقیق، نمونه‌ی کاملی از پیچیدگی تحقیقات در علوم انسانی و اجتماعی محسوب می‌گردد.

بررسی روابط بین متغیرها نشان داد که افراد در سنین مختلف از احساس امنیت نسبتاً یکسانی برخوردارند. میانگین احساس امنیت اجتماعی بین زنان و مردان تنها در بعد امنیت جانی با هم متفاوت است و معنادار بودن تفاوت میانگین‌ها، این امر را تأیید می‌کند که در مقایسه‌ی بین دو جنس، زنان از امنیت جانی کمتری برخوردارند.

یافته‌های تحقیق نشان داد؛ از یک‌سو، گرایش به مشارکت در تأمین امنیت بر احساس امنیت اجتماعی افراد تأثیر بسزایی دارد، و از سوی دیگر، پایین بودن احساس محرومیت نسبی عاملی است که فرد را بیشتر به طرف مشارکت در تأمین امنیت سوق می‌دهد. این تحقیق نشان داد که تلقی فرد از عملکرد پلیس بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر بسزایی دارد، اما تلقی فرد از عملکرد قانون تنها بر امنیت جانی او اثرگذار است. این رابطه با کنترل اثر

با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده طی تحقیق حاضر، برابر با ۴۹/۰۹ محاسبه گردید که این رقم نیز نشان دهنده‌ی اندک بودن احساس امنیت اجتماعی ساکنین است. بر همین اساس مقاله حاضر سعی نموده با بررسی برخی عناصر و عوامل مرتبط با احساس امنیت اجتماعی شهرستان اهواز و کشف برخی عناصر کاهنده (و افزایشده) امنیت در این نقطه از کشور، الگویی جهت ارتقاء احساس امنیت اجتماعی در این نقطه و نقاط مشابه فراهم آورد.

در مقاله‌ی حاضر احساس امنیت اجتماعی افراد در سه بُعد امنیت جانی، امنیت مالی و امنیت سیاسی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ساکنین، در امنیت مالی از کم‌ترین میزان احساس امنیت برخوردارند. پس از آن، کم‌ترین میزان مربوط به امنیت سیاسی افراد است و بیش‌ترین میزان احساس امنیت افراد، مربوط به امنیت جانی آن‌ها می‌باشد. مقادیر به دست آمده برای ابعاد متغیر وابسته، نتایج تحقیق صمدی‌بگه‌جان (۱۳۸۴) را که را تأیید کرده و نتایج خوشفر (۱۳۷۸) را رد می‌کند. این امر شاید به دلیل تفاوت در بافت جوامع مورد بررسی باشد، چراکه به نظر می‌رسد شهرهای مورد بررسی در تحقیق صمدی‌بگه‌جان (سنندج) و مقاله‌ی حاضر (اهواز)، به لحاظ ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شباهت‌های بیشتری را دارا هستند.

در بخش استنباطی و تحلیل اطلاعات، علاوه بر بررسی روابط بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته؛ روابط

سایر متغیرها، نتایج قابل تأملی را به دست داد؛ یعنی در صورت اعمال چنین کنترلی، تلقی فرد از عملکرد قانون و احساس امنیت اجتماعی وی به صورت معکوس نمایان شد.

از دیگر یافته‌های تحقیق، تأثیر طبقه‌ی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی افراد بود. افراد طبقات اجتماعی بالا، از احساس امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به افراد طبقات اجتماعی پایین، برخوردارند. هم‌چنین احساس محرومیت نسبی، تأثیر معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارند. یعنی با افزایش این عامل، احساس امنیت اجتماعی فرد کاهش می‌یابد و بالعکس. رابطه‌ی متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی، در اکثر مطالعات پیشین امنیت بررسی و تأیید شده است.

الگویی که این تحقیق برای ارتقاء احساس امنیت اجتماعی ارائه می‌دهد در پیشنهادات و راه‌کارهای ذیل نهفته است: پیشنهادات زیر چنانچه در برنامه‌ریزی‌های امنیتی به کار بسته شوند، می‌توانند تا حد قابل توجهی امنیت اجتماعی و در نتیجه احساس امنیت اجتماعی را در سطح جامعه ارتقاء بخشند. طبق نتایج تحقیق، توزیع عادلانه امکانات و ثروت و کاهش فاصله طبقاتی و محرومیت نسبی از یک سو بر احساس امنیت اجتماعی جامعه افزوده و از سوی دیگر موجب فراهم شدن بستری برای مشارکت مردم در تأمین امنیت اجتماعی جامعه خواهد شد. این، تحقیق نشان داد که طبقه‌ی اجتماعی

افراد، از یک سو ارتباط مستقیمی با احساس امنیت اجتماعی افراد دارد و از سوی دیگر، با اثرگذاری بر دیگر متغیرها با احساس امنیت اجتماعی آنان مرتبط می‌شود. بنابراین، توزیع عادلانه شاخص‌های پایگاه اقتصادی-اجتماعی و کاهش فاصله‌ی طبقاتی در جامعه؛ نخستین پیشنهاد جهت ارتقاء احساس امنیت اجتماعی به ویژه در بین افراد متعلق به طبقات اجتماعی پایین تر می‌باشد.

اقدام جهت کاهش احساس محرومیت نسبی از طریق ایجاد فرصت‌های برابر و توزیع عادلانه امکانات، دیگر پیشنهاد این تحقیق جهت ارتقاء احساس امنیت اجتماعی، و نیز بهبود مشارکت افراد در تأمین امنیت می‌باشد. بدیهی است که وجود مساوات و احساس وجود مساوات، هم‌چنین قرار گرفتن افراد جامعه در معرض منافع و مخاطرات برابر از اصلی‌ترین شرایط برقراری امنیت بوده و در این صورت کنترل‌های اجتماعی (عملکرد پلیس و قانون) مشکلی محسوب نشده و ابزاری برای کمک به شمار می‌آید.

منابع

- ۱- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶)، «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۲.
- ۲- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی توسعه. تهران: مؤسسه نشر کلمه.

- ۳- افشار، زین‌العابدین (۱۳۸۵)، بررسی امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران (رساله کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه تهران.
- ۴- بشیریه، حسین (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.
- ۵- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.
- ۶- خلیلی، رضا (۱۳۸۱)، «مهاجرت نخبگان؛ پدیده‌ای اجتماعی یا موضوع امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره مسلسل ۱۶.
- ۷- خوشفر، غلامرضا (۱۳۷۸)، «بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی مراکز شهرستانهای استان مازندران»، به سفارش دبیرخانه شورای تأمین استان مازندران.
- ۸- _____ (۱۳۸۴)، «بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا (شماره یک)، تهران: انتشارات گلپویه.
- ۹- رتیزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی، چاپ چهارم.
- ۱۰- صمدی بگه‌جان، جمیل (۱۳۸۴)، امنیت اجتماعی در شهر سنندج (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۱- کرامتی، مهدی (۱۳۸۵)، «بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان مراکز استان‌های کشور»
- پیمایش دوم»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا- مرکز مستندات اجتماعی، شماره ششم و هفتم.
- ۱۲- کلاهیجان، محمود (۱۳۸۴)، «راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا (شماره یک)، تهران: انتشارات گلپویه.
- ۱۳- مک کین‌لای، آردی؛ لیتل، آر (۱۳۸۰)، امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها. ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۴- نصری، قدیر (۱۳۷۸)، «معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت»، جزوه مفهوم‌شناسی امنیت (شرحی بر تهدیدات)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۵- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲)، «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره مسلسل ۱۹.
- ۱۶- _____ (۱۳۸۵)، «گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا- مرکز مستندات اجتماعی، شماره چهارم و پنجم.
- 17- Bilgin, Pinar; Booth, Ken; Jones, Richard Wyn (1998), "Security Studies: The Next Stage?", Inverno 98, N 48-2. Series pp.131-157.
- 18- Bilgin, Pinar (1999), "Security Studies: Teory/Practice", Department of International Politics, University of Wales, Aberystwyth. Vol.XII No.2.
- 19- _____ (2003), "individual and Societal Dimensions of Security". Bilkent

- university Turkey, Department of International Relation, International Studies Review 5, PP 203 – 222
- 20- Buzan, Barry (2000), “Security Studies: Beyond Strategy”
- 21- <http://www.Yorku.Ca/dmutimer/SecurityStudies.Html>
- 22- Buzan, Barry; Weaver, Ole (1998), “Liberalism and security: the contradictions of the liberal leviathan”, Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.
- 23- Buzan, Barry; Weaver, Ole; Jaap de Wilde (1998), “Security: A New Framework for Analysis”.
- 24- <http://www.drake.edu/artsci/PoLSci/personalwebpage/securty.Html>
- 25- Clements, Kevin (1990), “Toward a Sociology of Security”, Working Paper 90-4, July, 1990.
- 26- Gurr, Ted Robert (1967). Psychological Factors in Civil Violence, World Politic.
- 27- Krause, Keith (1996), “Critical Theory and Security Studies”, Graduate Institute of International Studies. YCISS Occasional Paper, Number 33
- 28- Lindstrom, Martin; Merlo, Joan & Ostergren, Per-Olof, (2003). "Social capital and sense of insecurity in the Neighbour: a population-based multilevel analysis in Malmo, Sweden". Social science & medicine, Vol 5, p 1111-1120
- 29- Roe. Paul (1996), “The Societal Security Dilemma” Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.